



محمد حسن راجعی حقیقی

نقد و بررسی کتاب «آستانه تجدد» در گفت‌وگو با سید جواد ورعی

نباید به متفکر نسبتی داد که با محکمت‌اندیشه‌اش ناسازگار باشد

حجت‌الاسلام سید جواد ورعی، مدرس حوزه و دانشگاه و پژوهشگر حوزه فقه‌سیاسی است. او در سال ۱۳۸۲، درست نیم قرن پس از آنکه مرحوم طالقانی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ با مقدمه و توضیحاتی کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله اثر مرحوم محقق نائینی را منتشر کرده بود، اقدام به تصحیح و انتشار مجدد این کتاب کرد. ورعی همچنین صاحب اثر پژوهشی مستقلی در مورد اندیشه سیاسی نائینی است. پس از او داود فیرحی در سال ۱۳۹۴ به شرح و انتشار تنبیه‌الامه در قالب کتابی با عنوان آستانه تجدد اقدام کرد. در این مجامعه مکتوب، سید جواد ورعی به سوالات فرهیختگان در خصوص ارزیابی شان از کتاب آستانه تجدد پاسخ گفته است. او معتقد است نباید به یک متفکر نسبتی داد که با محکمت‌اندیشه او ناسازگار باشد. ورعی، نائینی را از طرفداران نظریه ولایت عامه فقیه در عصر غیبت می‌داند و اعتقاد دارد بین دو تقریر خوانساری و آملی از درس خارج نائینی در این خصوص اختلافی نیست. او بیان می‌کند که اختلاف بین شیخ فضل‌الله نوری و محقق نائینی مبنایی نیست و صرفاً در موضوع است. مشروطه‌خواهانی چون شیخ فضل‌الله با مشروطه‌ای که در خارج در حال تحقق بود مخالف بودند نه مشروطه‌ای که علمای نجف از آن دفاع می‌کردند. متن این گفتگوی مکتوب پیش روی شماست.

♦ با توجه به آنکه حضرتعالی هم کتاب تنبیه‌الامه محقق نائینی را تصحیح کرده‌اید و هم پژوهش مستقلی پیرامون اندیشه‌های ایشان انجام داده‌اید به عنوان سوال اول بفرمایید خوانشی که دکتر فیرحی در کتاب آستانه تجدد، از تنبیه‌الامه و افکار محقق نائینی ارائه کرده‌اند در چه مواردی مطلوب و در چه مواردی به دور از موضع محقق نائینی است؟

هر صاحب‌نظری در خوانش افکار و اندیشه‌های یک متفکر به‌طور کلی چنانکه اصول، امهات و محکمت‌اندیشه آن متفکر را حفظ و تحلیل خود را با رعایت این نکته ارائه کند، ادب تحقیق را رعایت کرده است. ممکن است به همان محکمت‌ها هم نقد داشته باشد، ولی نباید به یک متفکر نسبتی داد که با محکمت‌اندیشه او ناسازگار باشد. ممکن است در تفسیر کلمات متشابه یک متفکر اختلاف نظر باشد، اما علی‌القاعده نسبت به اصول و محکمت‌اندیشه یک متفکر اختلافی پیش نمی‌آید. بر این اساس، آقای دکتر فیرحی نسبت به اصول و محکمت‌اندیشه سیاسی نائینی خوانش نامطلوبی ارائه کرده‌اند. به این معنا که افکار و اندیشه‌های نائینی در دفاع از مشروطه را به درستی بازخوانی کرده‌اند، هر چند در پاره‌ای از نسبت‌هایی که به ایشان داده‌اند، دچار خطا شده باشند. مهم این است که به نائینی به عنوان فقیه‌ای که با نگرش نو و اجتهاد پویا به مقولات جدید سیاسی نگریسته و به تعبیر شهید مطهری، توحید اجتماعی اسلام را به زیبایی ترسیم کرده و افق‌های جدیدی را در فلسفه و فقه سیاسی اسلام گشوده، نگاه کرده و از این زاویه برجستگی او را نشان داده‌اند. برخلاف برخی دیگر از پژوهشگران که فقاهت نائینی را نادیده گرفته و آرای به او نسبت داده‌اند که با اصول و مبنای فقهی ناسازگارند.

نظریه و مولفه‌هایی مانند آزادی‌های اجتماعی و سیاسی، مساوات، نظارت بر قدرت و مانند آن تهاقتی احساس کرده‌اند که جمع میان این دو را در نائینی برنناخته و تمایل پیدا کرده‌اند که ایشان را در ردیف منکران نظریه ولایت فقیه بشمارند. در حالی که به گمان من، به لحاظ تئوریک تهاقتی و ناسازگاری میان این نظریه و مولفه‌های فوق وجود ندارد، هر چند باید در مقام عمل به منصفانه‌طور برسد. در آن جلسه نقد هم گفتم شاید تجربه جمهوری اسلامی و نظریه ولایت فقیه و نسبت آن با مفاهیم نو مثل آزادی‌های اجتماعی و سیاسی و مانند آن موجبات این تلقی را فراهم کرده باشد.

♦ نظر محقق نائینی اولاً و در حالت کلی و ثانیاً در کتاب تنبیه‌الامه در باب ولایت عامه فقیه در عصر غیبت چیست؟ آیا بین تقریر خوانساری و آملی در تبیین نظر محقق نائینی در این باب اختلاف نظر وجود دارد؟ مولف محترم کتاب آستانه تجدد معتقد

♦ اگر چنانچه پاسخ پرسش بالا مثبت است و ایشان در مواردی از نظر محقق نائینی عدول کرده‌اند آیا این نتایج به سبب متدولوژی مورد استفاده ایشان است؟ به عبارت دیگر، از نظر حضرتعالی متدولوژی و روش دکتر فیرحی در پروژه ایشان، فقه سیاسی دچار چه ایراداتی است؟ آیا ایشان نص سنت فقهی شیعی را منفرداً مورد استنتاج قرار می‌دهند یا از پشت عینک مفاهیم مدرن نص سنت فقهی را خوانش می‌کنند؟

معمولاً علاقه و گرایش انسان در تحلیلی که او از افکار و اندیشه‌های یک متفکر ارائه می‌کند، تأثیر دارد، هر چند ناخودآگاه. غیر از موارد جزئی که در شرح تنبیه‌الامه و تحلیل گزاره‌هایی از تنبیه‌الامه خطا رخ داده و مواردش را در جلسه نقد کتاب ایشان با عنوان «در آستانه تجدد» با حضور برادر ارجمندم آقای دکتر فیرحی ارائه کردم، یکی از بارزترین خطاها، نظریه نائینی در موضوع ولایت فقیه است. شاید ایشان میان این